فصلنامه پژوهش‌های پولی- بانکی
سال هشتم، شماره ۲۳، بهار ۱۳۹۴
صفحات ۱۳۳-۱۶۴

تحلیل رفتار بدهکاران عمده بانکی در ایجاد مطالبات غیرجاری ارادی

احمد بهاروندی [*]
محمدرضا رنجبرفلاح [†]
اصغر ابولحسنی هستیانی [‡]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۱۳

چکیده

افزایش نسبت مطالبات غیرجاری به کل مطالبات در شبکه بانکی اقتصاد ایران یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اقتصادی سال‌های اخیر تشخیص داده می‌شود. در این مطالعه با تکیه بر ادبیات اقتصاد اطلاعات و اقتصاد هزینه مبادله به تحلیل آن بخشی از دلایل بروز چنین شرایطی می‌پردازیم که ناشی از رفتار و عملکرد ارادی بدهکاران عمده بانکی که بدهی آن‌ها در محدوده مطالبات غیرجاری طبقه‌بندی شده، است. سپس با تکیه بر تحلیل‌های ارائه شده ضمن بیان فرضیاتی در خصوص رفتار و سیر عملکرد بدهکاران عمده مورد نظر در تعامل با شبکه بانکی، با استفاده از روش پرسش‌نامه‌ای به آزمون فرضیات موردنظر خواهیم پرداخت. تحلیل‌های ارائه شده نشان می‌دهد که اصلاحات نهادی شبکه تأمین مالی، ترویج قراردادهای انگیزشی، تقویت و ساختارسازی درخصوص بسترهای الکترونکی و نهایتاً ایجاد ساختارها و اصلاحات حقوقی نظیر آیین دادرسی مدنی و کیفری و ایجاد دادگاه‌های تخصصی می‌تواند در کاهش مطالبات معوق مؤثر باشد.

واژه‌های کلیدی: مطالبات غیرجاری، اقتصاد اطلاعات، اقتصاد هزینه مبادله
طبقه‌بندی JEL: E32، E44، E51، G21

[*] دانشجوی دکتری دانشگاه پیام‌نور تهران؛ amd.bahar@gmail.com (نویسنده مسئول)
[†] استادیار، دانشگاه پیام‌نور تهران؛ rfallah@pnu.ac.ir
[‡] دانشیار، دانشگاه پیام‌نور تهران؛ abolhasani2003@yahoo.com

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

۱ مقدمه

زیان کل اقتصاد که از مجموعه‌ای از شوک‌های منفی و سوء مدیریت‌ها ناشی می‌شود، در حلقه نهایی زنجیر و در نتیجه مجموعه‌ای از عملیات حسابداری، در ترازنامه بانک‌ها به شکل مطالبات غیرجاری[1] رسوب می‌کند.[2] خارج شدن بخشی از تسهیلات از چرخه تسهیلات-سپرده-تسهیلات، اختلال‌هایی در اجرای نقش واسطه‌گری مالی بانک‌ها در سیستم مالی به‌وجود می‌آورد، که علاوه‌بر کاهش سودآوری بانک‌ها و گسترش پیامدهای منفی آن به دیگر جنبه‌ها نظیر نقدینگی، تهدیدی برای رشد کوتاه‌مدت و بلندمدت بخش حقیقی اقتصاد به‌حساب می‌آید (محمودزاده و نیلی، ۱۳۹۳)

از دیگر آثار بالا بودن نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات، می‌توان به افزایش ریسک اعتباری و نقدینگی بانک، عدم امکان سرمایه‌گذاری‌های مجدد توسط بانک، عدم امکان سیاست‌گذاری در حوزه پولی، به مخاطره افتادن رشد اقتصادی، افزایش بیکاری، امکان بروز اضافه برداشت از منابع بانک‌ها نزد بانک مرکزی و ... اشاره نمود. در حال حاضر این مسئله یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سیاست‌گذاران حوزه پولی محسوب می‌شود، زیرا از یک طرف، این نسبت به‌معنی اختلالات در کارکرد نظام بانکی اقتصاد و افزایش احتمال ورشکستگی آنها و از طرف دیگر، تهدید رشد اقتصادی در شرایط رکودی فعلی است.

دلایل ایجاد مطالبات غیرجاری را می‌توان در قالب دو دسته عوامل کلان و عوامل غیرکلان تقسیم‌بندی نمود. از جمله عوامل کلان می‌توان به شاخص‌های اقتصاد همچون نرخ تورم، نرخ رشد، نرخ ارز، سطح عمومی دستمزدها و ... اشاره نمود. از طرف دیگر عوامل غیرکلان را می‌توان به دو بخش عوامل ناشی از متغیرهای درون بانکی[3] و عوامل

---

[1] Non Performing Loans

[2] مطالبات غیرجاری آن بخش از مطالبات بانکی است که از تاریخ سررسید آنها زمان بیشتری گذشته باشد. مطالبات غیرجاری خود به ۳ دسته مطالبات سررسیدگذشته، مطالبات معوق و مطالبات مشکوک‌الوصول تقسیم می‌گردند. بر اساس استانداردهای داخلی شبکه بانکی، چنانچه از تاریخ سررسید اقساط بدهی به بانک، بیش از ۲ ماه و کمتر از ۶ ماه گذشته باشد تسهیلات مربوطه جزء مطالبات سررسید گذشته به حساب می‌آید. پس از ۶ ماه و با توجه به مکاتبات بانک یا موسسه مالی با گیرنده تسهیلات چنانچه وی برای بازپرداخت تسهیلات تا ۱۸ ماه اقدامی صورت ندهد، مطالباتِ از وی، در سرفصل مطالبات معوق طبقه‌بندی می‌شود و بعد از گذشت ۱۸ ماه به عنوان مطالبات مشکوک‌الوصول شناخته می‌شود.

[3] Self Banking Variables

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

ناشی از اراده و عملکرد بدهکاران بانکی تقسیم‌بندی نمود. از جمله عوامل درون بانکی نیز می‌توان به نرخ سود تسهیلات، نرخ جریمه تأخیر، نسبت تسهیلات به سپرده‌ها و ... اشاره نمود.

در این مقاله تمرکز نویسندگان بر تحلیل آن بخش از علل ایجاد مطالبات غیرجاری می‌باشد که از اراده و عملکرد ارادی بدهکاران بدحساب[۱] ناشی می‌گردد.

از زمانی که یک مشتری به عنوان متقاضی تسهیلات به بانک مراجعه می‌نماید تا زمانی که بدهی وی از سرفصل بدهی‌های جاری خارج شده و ذیل سرفصل مطالبات غیرجاری گنجانده می‌شود و در نهایت مطالبات از وی جزو مطالبات مشکوک‌الوصول طبقه‌بندی شده و بانک با آن مشتری وارد دعوی حقوقی می‌گردد، مجموعه‌ای از رفتارها و عملکردها به عنوان شاخص‌های تعاملی وی با بانک قابل استخراج است که استخراج الگوی این شاخص‌ها می‌تواند به عنوان راهنمایی در اختیار شبکه بانکی باشد که با تطبیق آن الگو بر نحوه رفتار و عملکرد متقاضیان تسهیلاتی بتوان احتمال گزینش مشتریان بدحساب حرفه‌ای را تقلیل داد.

به منظور استخراج الگوی رفتاری این مشتریان، ابتدا بایستی با تکیه بر نظریات اقتصادی به توضیح علمی بسترهای بروز چنان الگوهای رفتاری پرداخت و سپس از طریق مصاحبه با صاحب‌نظران به آزمون تجربی الگوی رفتاری استخراج شده پرداخت.

بدین منظور پس از مقدمه، در بخش دوم به بیان مسئله و اشاره به پیشینه تحقیق خواهیم پرداخت. در بخش سوم به مباحث نظری این تحقیق اشاره می‌شود. بخش چهارم به توضیح مراحل طراحی پرسشنامه، دریافت نظرات کارشناسان و نتایج آنها اختصاص دارد. در بخش پنجم تحلیلی از نتایج به‌دست آمده ارائه شده و پیشنهادهای سیاستی مطرح می‌شود. بخش ششم نیز به جمع‌بندی اختصاص دارد.

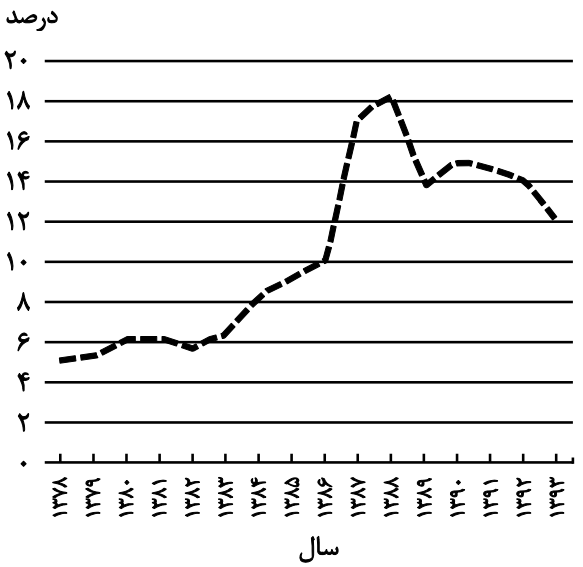
۲ بیان مسئله

آمارهای رسمی نشان می‌دهد که نسبت مطالبات غیر جاری به کل تسهیلات اعطایی سیستم بانکی درصد قابل توجهی را به خود اختصاص داده است.

---

[۱] بدیهی است که در این تحقیق بدهی مربوط به شرکت‌های دولتی و شرکت‌هایی که تصمیمات در آن‌ها ناشی از اراده عام سهامداران می‌باشد مد نظر تحقیق نیست. به عبارت دیگر در میان بدهکاران عمده بدحساب بانکی، افراد حقیقی و شرکت‌های خصوصی که تصمیمات آن‌ها ناشی از اراده یک یا چند نفر خاص بوده و دارای بدهی عمده به شبکه بانکی می‌باشند، مورد نظر هستند.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]



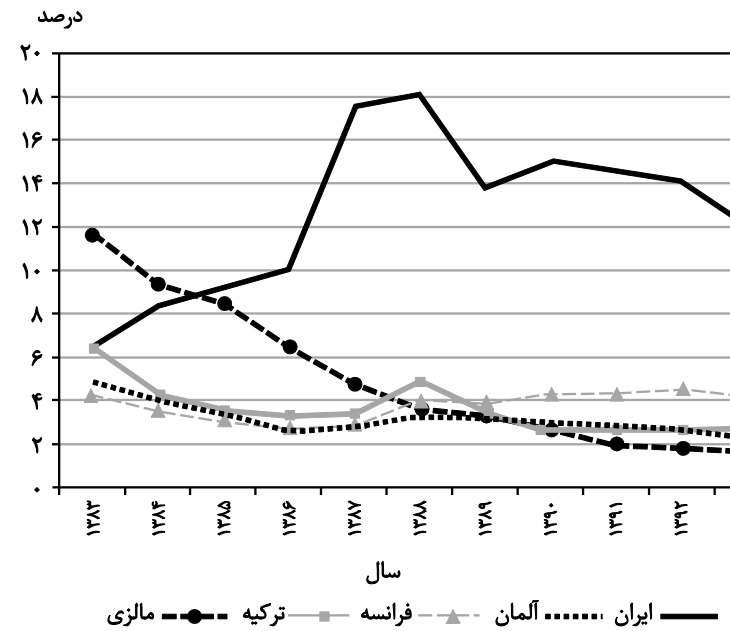
شکل ۱. نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات در ایران

به منظور درک بهتر وضعیت نامناسب نسبت مطالبات غیرجاری در کشور[۱] بایستی به این نکته دقت داشت که کاهش این نسبت در سال‌های پایانی دهه ۸۰ و ابتدای دهه ۹۰ را می‌توان به دو علت مربوط دانست نخست اینکه برخی بانک‌های دارای مطالبات غیرجاری کلان، با بدهکاران عمده خود در خصوص استمهال بدهی به توافق رسیدند و لذا موقتاً آن ارقام از سرفصل مطالبات غیرجاری به سرفصل مطالبات جاری منتقل شد. دلیل دوم مربوط می‌شود به متن بند ۱۶ قانون بودجه سال ۱۳۹۲ که طی آن جواز تقسیط مطالبات غیر جاری در قالب تسهیلات جدید با نرخ تعیین شده شورای پول و اعتبار، به شبکه بانکی اعطا شده است. قبل از آن بند ۲۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۰ به منظور حمایت از تولید و اشتغال به بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، اجازه داده است با تأیید هیئت مدیره، اصل و سود تسهیلات سررسیدشده و معوق واحدهای صنعتی،معدنی و کشاورزی را برای یکبار تا پنج سال تقسیط و از سرفصل مطالبات سررسید گذشته و معوق خارج نمایند. پس از

[۱] به منظور استخراج آمار تا قبل از سال ۱۳۸۶ از داده‌های سری زمانی بانک مرکزی و از سال ۱۳۸۶ به بعد از داده‌های نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ا. استفاده شده است.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

ابلاغ این قوانین و اجرای آن‌ها در کشور، میزان مطالبات غیرجاری به صورت غیرواقعی کاهش یافت چراکه در عمل سررسید بدهی بدهکاران بانکی مجدداً به تعویق انداخته شد. لذا بخش نزولی نمودار فوق نیز نمی‌تواند به منزله کاهش واقعی میزان مطالبات غیرجاری تلقی گردد. بررسی وضعیت میزان مطالبات غیرجاری در شبکه بانکی کشور و مقایسه آن با این نسبت در کشورهای پیشرفته و حتی کشورهایی که اقتصاد ایران در مواقعی با لحاظ جنبه‌های مختلف با وضعیت اقتصاد آنها مقایسه می‌گردد، نشان می‌دهد که کشورمان در خصوص نسبت مطالبات غیرجاری وضعیت مناسبی ندارد. جدول (۲) این وضعیت را از طریق مقایسه داده‌های مربوط به دو اقتصاد پیشرفته و دو اقتصاد غیرپیشرفته و اما نزدیکتر به اقتصاد کشورمان نمایش می‌دهد.



شکل ۲. مقایسه وضعیت نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات در ایران در مقایسه با چهار کشور منتخب

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

۳ مبانی نظری

۱.۳ مطالبات غیرجاری و اقتصاد اطلاعات

اقتصاد اطلاعات و نظریات مطرح در آن بر تجزیه و تحلیل جوانب مختلف قراردادهای اقتصادی میان افراد در فضای کسب‌وکار تمرکز دارند. هر قرارداد دو طرف وجود دارند که هر کدام اطلاعاتی دارند که در تنظیم و اجرای قرارداد بر آنها اتکا می‌کنند. این اطلاعات به موضوع قرارداد، بهای موضوع قرارداد، وضعیت کنونی و مورد انتظار بازار و غیره مرتبط می‌شود. به نظر می‌رسد برخی رویه‌های عملکردی بدهکاران عمده بانکی که منجر به ایجاد مطالبات غیرجاری می‌شود، با تمرکز بر نظریه‌های مطرح شده در اقتصاد اطلاعات قابل‌تحلیل می‌باشند.

۱.۱.۳ عدم تقارن اطلاعاتی

در اکثر قراردادها اطلاعات به صورت کامل و جامع در اختیار هر دو طرف قرارداد قرار ندارند به‌گونه‌ای که هر کدام از طرفین از این اطلاعات به صورت ناقص برخوردار می‌باشند (بیچلر و مونیکا، ۲۴۲;۲۰۰۷). این ویژگی باعث می‌گردد قراردادهای مالی میان بانک و کارگزاران اقتصادی با مشکلی با نام عدم تقارن اطلاعات که در حوزه اقتصاد اطلاعات مطرح می‌شود، مواجهه باشند. مشکل به‌وجود آمدن مطالبات غیرجاری ارادی در ارتباط بسیار نزدیکی با این ادبیات قرار دارد.

به‌عنوان مثال، یکی سناریوی قابل انتظار آن است که شرکت‌های متعدد و در ظاهر غیرمرتبط و اقدام به دریافت تسهیلاتی مختلف می‌کنند. با این حال، اگر بررسی دقیقی صورت گیرد مشخص می‌شود که تمامی این شرکت‌ها تحت یک مالکیت کلان واحد یا به عبارت دیگر در قالب ذی‌نفع واحد اقدام به دریافت تسهیلات به میزان بیش از سقف مجاز قانونی دستورالعمل ذی‌نفع واحد و یا تعهدات مشتریان کلان نموده است. در این رابطه، ریسک اعتباری بانک به‌طور ناخواسته و بدون اطلاع آن افزایش یابد، زیرا ساختار مالکیت آن مجموعه از شرکت‌ها در زمان مراجعه برای کارشناسان بانک پنهان بوده است. این درحالی است که اگر بانک از ساختار مالکیت پنهان در زمان دریافت تقاضای تسهیلات توسط هرکدام از این شرکت‌ها آگاهی می‌داشت، از پرداخت تسهیلات اضافی به این شبکه امتناع می‌نمود. بسیاری از تسهیلاتی که تبدیل به مطالبات غیرجاری بانکی شده‌اند به علت عدم امکان کسب اطلاعات کافی توسط کارشناسان بانکی، به این سرانجام مبتلا شده‌اند. این امر نشان می‌دهد که اساساً ورود بانک به آن حوزه از سرمایه‌گذاری اشتباه و نادرست

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

بوده است که خود از اطلاعات نامتقارن متولیان بانک از وجود آن شبکه از شرکت‌ها در قالب ذی‌نفع واحد ناشی گردیده است. در این صورت ممکن است مجموعه شرکت‌های ذی‌نفع واحد اساساً توانایی و یا صلاحیت جذب سرمایه را نداشته و تسهیلات اعطایی نهایتاً تبدیل به مطالبات غیرجاری گردند در حالی که اگر بخش اعتباری بانک از ابتدا نسبت به این امر آگاهی می‌داشت، صلاحیت متقاضی را مردود دانسته و از اعطای تسهیلات ممانعت به عمل می‌آوردند.

۲.۱.۳ کژگزینی

مسئله کژگزینی[1] یکی از پرکاربردترین مباحث مطرح‌شده در بازارهای پولی و مالی است. عدم اشراف موضوعی و نبود اطلاعات کافی برای یک عامل اقتصادی و یا یکی از طرفین قرارداد نوعی ممکن است باعث شود در انتخاب نوع پروژه، شریک اقتصادی و موضوع فعالیت مورد نظر دچار اشتباه محاسباتی شده و علیرغم اینکه در ازای این خطا در آینده متحمل زیان می‌شود، به طور نادانسته اقدام به شروع آن کار یا انعقاد قرارداد در خصوص آن و یا انتخاب مشتری با شرایط نامناسب نماید.

۳.۱.۳ کژمنشی

در قراردادهای تسهیلاتی شخص قرض‌گیرنده به شخص قرض‌دهنده تعهد می‌دهد مبلغ مشخصی را به وی بازپرداخت نماید. اکثر مردم گمان می‌کنند که این قرارداد یک قرارداد ساده و بسیار معمولی است در حالیکه هیچگاه درک نمی‌کنند که قراردادهای تسهیلاتی در عمل چه زوایای معماگونه‌ای دارد. آنچه این قراردادها را در عمل پیچیده می‌نماید این است که این قراردادها به مثابه قراردادهایی با ریسک یک طرفه می‌باشد. این مسئله بخصوص در خصوص قراردادهای تسهیلاتی مشارکتی نمود پیدا می‌کند. چراکه با فرض اینکه حتی اگر کارگزار (نماینده)(شریک) هم بتواند سهم‌الشرکه خود را به اندازه میزان پیش‌بینی‌شده قبلی، کسب کرده و بازپرداخت نماید، باز هم وی ممکن است با توجیه اینکه سود اضافی مکتسبه ماحصل قبول ریسک بالا توسط خود وی است، از گزارش‌دهی و حتی پرداخت به کارفرما در خصوص سود اضافی کسب‌شده خودداری می‌کند، در حالیکه همین فرد اگر در فرآیند انجام موضوع قرارداد با مشکل مواجه شده و متضرر گردد، خود را ذی‌حق می‌داند که

[1] Adverse selection

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

کل میزان زیان را به نسبت سهم‌الشرکه با کارفرما شریک گرداند. در این حالت است که مسئله کژمنشی[1] پیش می‌آید.

۲.۳ مطالبات غیرجاری و اقتصاد هزینه مبادله

اقتصاد هزینه مبادله بحث خود را با دو انتقاد به فرض عقلانیت کامل آغاز می‌کند و دو فرض رفتاری دیگر را جایگزین آن می‌کند. این نظریه بیان می‌کند که اولاً، کنش‌گران اقتصادی معمولاً عقلایی عمل می‌کنند ولی در بروز دادن رفتار عقلایی با دو محدودیت روبه‌رو می‌باشند. یکی اینکه اطلاعاتشان ناقص است لذا افراد به همه اطلاعات دسترسی ندارند. بنابراین نمی‌توانند تصمیم‌های خود را بر پایه اطلاعات قابل اتکائی بنا کنند و دوم اینکه حتی اگر اطلاعات در دسترس باشد، توان محاسباتی کنش‌گران به قدری نیست که بتوانند تمام اتفاق‌ها و احتمالات را به دقت بررسی و محاسبه کنند و بر مبنای آن تصمیم درست بگیرند. لذا عقلانیت رفتاری ولی محدود شده به واسطه اطلاعات و توان محاسباتی ناکافی کنش‌گران، اولین فرض رفتاری است که اقتصاد هزینه مبادله به جای فرض عقلانیت کامل جایگزین می‌نماید. پذیرش عقلانیت محدود متضمن این معناست که افراد هنگام مبادله در بازار نمی‌توانند قراردادهای کاملی منعقد کنند که حاوی تمام رویدادها و احتمالات متناظر آن‌ها باشد. به این ترتیب به عنوان یک اصل در اقتصاد هزینه مبادله، قرادادها همواره ناقص هستند.

ثانیاً، این نظریه بیان می‌کند که چون قراردادها همواره ناقص هستند، برای افراد جویای نفع شخصی به طور بالقوه این امکان وجود دارد که از نقص‌های موجود در قرارداد به نفع خود و به زیان دیگران بهره‌برداری کنند. به عبارت دیگر عقلانیت محدود این زمینه را به وجود می‌آورد که افراد بتوانند از طریق حیله و تقلب منافع شخصی خود را تأمین کنند. لذا فرصت‌طلبی دومین فرض رفتاری است که جایگزین فرض عقلانیت کامل می‌شود (نصیری اقدم، ۱۳۸۶، صص ۱۱-۱۰).

۱.۲.۳ نظریه کارگزاری

نظریه کارگزاری[2] (تئوری نمایندگی) بیان می‌کند که یک رابطه کارگزاری(نمایندگی) هنگامی به وجود می‌آید که فعالیت اقتصادی یک فرد به فعالیت‌های فرد دیگری وابسته باشد. فرد

---

[1] Moral hazard

[2] Principle-agency theory

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

تأثیرگذار یا همان فردی که فعالیت را انجام می‌دهد تحت عنوان کارگزار و فردی که متأثر از این فعالیت است کارفرما نامیده می‌شود. به طور کلی هرگونه رابطه بین دو نفر یا بیشتر که تصمیم به انجام فعالیت اقتصادی می‌گیرند و منجر به انعقاد قرارداد می‌شود مصداقی از وجود رابطه نمایندگی خواهد بود. لذا رابطه نمایندگی یک مفهوم عام به شمار می‌آید (رُس،۱۹۷۳)

۲.۲.۳ نظریه قراردادهای ناقص

پذیرش عقلانیت محدود بر اساس ادبیات اقتصاد هزینه‌مبادله به بحث قراردادهای ناقص[1] مربوط شده و متضمن این معناست که افراد هنگام مبادله در بازار نمی‌توانند قراردادهای کاملی منعقد کنند که حاوی تمام رویدادها و احتمالات متناظر آن‌ها باشد. به این ترتیب به عنوان یک اصل در اقتصاد هزینه مبادله، قرادادها همواره ناقص هستند. در نتیجه به طور بالقوه این امکان وجود دارد که نقص‌های موجود در قرارداد مورد سوءاستفاده افراد فرصت‌طلب قرار گیرد و قرارداد نقض شود و به این ترتیب هزینه‌هایی به مبادله‌کنندگان تحمیل شود (هزینه مبادله).

۳.۲.۴ نظریه فرصت‌طلبی

نظریه سوم در بحث اقتصاد هزینه مبادله، نظریه فرصت‌طلبی[2] است. اگر دو طرف یک قرارداد بر اساس شرایط اولیه توافق کنند و این شرایط تغییر کند، طرفی که این شرایط به نفع اوست ممکن است فرصت‌طلبی کرده و از تغییر شرایط برای کسب بخش بیشتری از ارزش ایجاد شده در اجرای قرارداد استفاده کند. توجه به این نکته بُعد مهم رهیافت اقتصاد هزینه‌مبادله برای تبیین پدیده مطالبات غیرجاری ناشی از عملکرد بدهکاران بدحساب حرفه‌ای را آشکار می‌سازد چراکه به دلیل ناقص بودن قراردادهای تسهیلاتی، افراد جویای نفع شخصی به طور بالقوه این امکان را دارند تا به دنبال منافع خاص خود باشند.

به عنوان مثال فرض کنید به منظور توسعه خط تولید قطعات لوازم خانگی، یک قراداد تسهیلاتی مشارکت مدنی با شرکت مالک توسط بانک منعقد می‌گردد. در این حالت چنانچه درخواست متقاضی با موافقت ارکان اعتباری بانک مواجه گردد، بر اساس پیش‌بینی‌های سود و زیان، مبلغ X تومان با نرخ سود علی‌الحساب مورد انتظار r به عنوان سهم‌الشرکه بانک در اختیار وی قرار می‌گیرد و قرار است در پایان بازه زمانی t این مبلغ بعلاوه سود مورد

[1] Incomplete contracts

[2] Opportunism

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

انتظار توسط مشتری به بانک عودت داده شود. در همین زمان در بازار مسکن سود مورد انتظار $(r + m)$ توسط فعالین اقتصادی پیش‌بینی می‌شود. در این صورت مشتری بانک ممکن است به جای اینکه تسهیلات را در تولید قطعات لوازم خانگی مصرف نماید، به امید سود بالاتر آن را در بازار مسکن سرمایه‌گذاری کند. لذا چنانچه میزان سود علی‌الحساب بعلاوه جریمه تأخیر کمتر از میزان سود مورد انتظار در بازار مسکن باشد، احتمال این اقدام بالاتر خواهد رفت. چنین اقدامی خود نمونه‌ای از فرصت‌طلبی مشتری به حساب می‌آید.

فرض کنید که سرمایه‌گذاری در بخش مسکن به قدری سودآور باشد که مشتری حاضر شود با وجود اعمال جریمه تأخیر از طرف بانک،علاوه بر نرخ سود علی‌الحساب قبلی تسهیلات، در خصوص بازپرداخت بدهی خود تا جایی که ممکن است ممانعت ورزد، در این صورت است که فرصت‌طلبی مشتری بدحساب حرفه‌ای منجر به افزایش مطالبات غیرجاری می‌گردد.

۴ روش تجربی

پس از طرح مبانی نظری تحلیل رفتارهای خاص بدهکاران عمده و ارادی بانکی، در این بخش از مقاله برآنیم تا فرضیاتی در خصوص رفتارها و عملکردهایی که در میان بدهکاران ارادی و حرفه‌ای عمده بانکی[1] مشترک می‌باشد مطرح نماییم. سپس از طریق مصاحبه و توزیع پرسش‌نامه میان گروهی از نخبگان شبکه بانکی، فرضیات عنوان شده را مورد آزمون قرار می‌دهیم. لذا روش تجربی این پژوهش بر ارائه پرسشنامه‌هایی در زمینه شناسایی شاخص‌های مشترک عملکردی بدهکاران بانکی به مدیران عامل، اعضای هیئت مدیره و مسئولین ارشد بانک‌ها و بانک مرکزی که به‌طور مستقیم با معضل مطالبات غیرجاری مواجهه بوده‌اند، تمرکز می‌یابد. تنظیم پرسشنامه مذکور با توجه به نظرات کارشناسی اولیه صورت گرفته است.

بعد از آنکه نتایج توزیع پرسشنامه در قالب رد و یا قبول فرضیات مطرح شده مشخص شد، با استفاده از مبانی نظری، به تحلیل فرضیات اثبات‌شده تحقیق پرداخته خواهد شد.

[1] نیاز به تأکید مجدد وجود ندارد که تمرکز در این مقاله بر بدهکاران ارادی عمده بیشتر از سایرین بوده است.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

۱.۴ فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌هایی که در این تحقیق در قالب توزیع پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفتند، عبارتند از؛

۱) بخش عمده‌ای از علل ایجاد مطالبات غیرجاری به صورت ارادی بوده و بخش زیادی از آن ناشی از اراده بدهکاران عمده بدحساب می‌باشد.

۲) عملکرد بدهکاران عمده بدحساب بانکی عموماً دارای ویژگی‌های مشترکی می‌باشد که قابل تشخیص می‌باشند و بر اساس این الگو، رفتار آتی آنها را می‌توان توضیح داده و پیش‌بینی نمود.

۳) در بیشتر مواقع بدهکاران عمده در زمان مراجعه به یک بانک دارای سابقه بدحسابی نزد سایر بانک‌ها می‌باشند.[۱]

۴) اکثر بدهکاران عمده و بدحساب، دارای سابقه فرار مالیاتی می‌باشند.

۵) در بیشتر موارد بدهکاران عمده دارای چندین صورت مالی و دفاتر متفاوت از هم می‌باشند که به منظور فرار مالیاتی و سایر مقاصد از آن‌ها به فراخور استفاده می‌نمایند[۲].

۶) در اکثر موارد بدهکاران عمده و بدحساب سیستم بانکی، دارای شرکت‌های متعدد و تودرتو و دارای شخصیت ذی‌نفع واحد بوده که از طریق آن‌ها اقدام به اخذ تسهیلات می‌نمایند.

۷) در موارد متعدد، کارشناسان بانکی نسبت به تشخیص شرکت‌های دارای شخصیت ذی‌نفع واحد ناتوان بوده‌اند.

۸) بدهکاران بدحساب و عمده عموماً برای دریافت تسهیلات بانکی جدید از یک بانک سعی می‌کنند شرکت‌هایی را معرفی نمایند که بدون وابستگی واضح و مستقیم به آن‌ها، دارای سابقه بدحسابی نباشند.

۹) در برخی موارد موضوعات درخواست‌های ارائه شده توسط بدهکاران عمده به درستی توسط بخش کارشناسی بانک مورد بررسی قرار نمی‌گیرند و صرفاً متأثر از سابقه گردش مالی بالای متقاضی اقدام به تخصیص منابع به این افراد می‌گردد.

---

[۱] این سابقه ممکن است از طریق سابقه چک برگشتی، عدم تسویه تسهیلات و عدم تعهد به وظایف خود در قبال یک بانک و ... باشد

[۲] بدیهی است این فرضیه در خصوص شرکت‌های سهامی عام و شرکت‌هایی که در حیطه نظارت دقیق سازمان‌ها و ارگان‌های ذیربط می‌باشند، معنا ندارد.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

۱۰) در برخی موارد، کارشناسان شبکه بانکی از اشراف کامل نسبت به موضوع مورد تقاضا برای دریافت تسهیلات توسط بدهکاران عمده و بدحساب برخوردار نیستند و لذا بدهکاران عمده و بدحساب در خصوص موضوع تقاضا به‌گونه‌ای اطلاعات نادرست می‌دهند که احتمال دریافت تسهیلات افزایش یابد.[۱]

۱۱) در برخی موارد فرد متقاضی تسهیلاتی که بعدها جزو بدهکاران عمده آن بانک در می‌آید، توسط بخش کارشناسی بانک از جنبه‌های مختلف شامل سابقه فعالیت، سابقه مجرمیت و مورد اعتبارسنجی شخصی و خانوادگی... قرار نمی‌گیرند و صرفاً متأثر از سابقه گردش مالی بالای متقاضی اقدام به تخصیص منابع به این افراد می‌گردد.

۱۲) در بیشتر مواقع بدهکاران عمده بدحساب هنگام درخواست دریافت تسهیلات از شبکه بانکی از اظهار شفاف درخصوص عملکرد قبلی/فعلی شرکت خود خودداری می‌نمایند و حتی در مواردی با سندسازی‌های صوری سعی در دریافت تسهیلات دارند.[۲]

۱۳) اکثر بدهکاران عمده و بدحساب در طول فرآیند دریافت تسهیلات و خرج‌کرد آن از توضیح شفاف در خصوص نحوه خرج‌کرد تسهیلات دریافتی امتناع می‌ورزند.

۱۴) در برخی موارد، بدهکاران عمده و بدحساب،تسهیلات دریافتی از شبکه بانکی را در محلی غیر از محل موضوع درخواست خرج نموده‌اند.

۱۵) در بسیاری از موارد بدهکاران عمده و بدحساب از اظهار نظر واقعی در خصوص عایدی واقعی موضوعی که بابت آن اقدام به دریافت تسهیلات نموده‌اند خودداری می‌کنند. به خصوص اینکه موضوع پروژه مورد نظر بیشتر از حد انتظار سودآوری داشته باشد. این افراد همواره سعی می‌کنند در نهایت سرنوشت موضوع مورد تقاضای تسهیلات را زیان‌ده نشان دهند.

۱۶) در اکثر موارد بدهکاران عمده و بدحساب، سعی می‌کنند به هر بهانه و دلیل متصور، از بازپرداخت بدهی خود امتناع ورزند، به گونه‌ای که چنین برداشت می‌شود که آن‌ها از همان ابتدای مراجعه به بانک نیز قصدشان عدم بازپرداخت بدهی بوده است. به

---

[۱] به طور مثال در مورد طرح‌های ایجادی، بیش‌برآورد تقاضای بازار، نبود رقبای جدی، بالا بودن قیمت فروش، کم بودن قیمت مواد اولیه و ... می‌تواند مطرح گردد.

[۲] به عنوان نمونه، عمده بدهکاران بدحساب بانکی به‌منظور ارائه فاکتور یا پیش‌فاکتور خرید کالا برای دریافت تسهیلات، از فاکتورها و/یا پیش‌فاکتورهای صادر شده توسط دیگر شرکت‌های خودشان استفاده نموده‌اند.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

گونه‌ای که در بسیاری از موارد بدهکاران عمده و ارادی اساساً دغدغه ذهنی خاصی در خصوص تعهد خود و بازگشت منابع بانکی در خود احساس نمی‌کنند.

۱۷) بسیاری از بدهکاران عمده و بدحساب، هیچگاه شریک و کارگزار مناسبی برای بانک ارائه دهنده تسهیلات نبوده و همواره سعی در بیشینه کردن سود خود را بدون توجه به سرنوشت سهم‌الشرکه بانک داشته‌اند.[۱]

۱۸) تمامی قراردادهای تسهیلاتی شبکه بانکی کشور تنها از ضمانت اجرای حقوقی برخوردارند و ضمانت اجرای کیفری را دارا نمی‌باشند.

۱۹) در بسیاری از موارد، بدهکاران عمده و بدحساب در زمان دعوی حقوقی میان خود و بانک، از نقاط ضعف قانونی قراردادها جهت فشار به بانک استفاده می‌نمایند.[۲]

۲۰) در بسیاری از موارد بدهکاران عمده و بدحساب، هیچ التزامی به رعایت مفاد قرارداد میان خود و مشتری و یا فرآیند موضوع مورد تقاضای خود که به بانک ارائه داده و بابت آن اقدام به دریافت تسهیلات نموده‌اند، نداشته و هرگونه که منافع آن‌ها بیشتر تضمین شود، اقدام می‌کنند.

۲۱) در برخی از موارد، بدهکاران عمده و بدحساب، برخی از کارمندان و ارکان بانک را از طریق پرداخت رشوه و یا ارائه خدمات مختلف مانند استخدام وابستگان کارمندان بانکی در شرکت‌های خود، تحت نفوذ خود قرار می‌دهند و لذا علیرغم نبود توجیهات کارشناسی در خصوص برخی اقدامات بانک به نفع این افراد، باز هم تصمیماتی به نفع این دسته از بدهکاران در بدنه بانکی اتخاذ می‌گردد.

۲.۴ جامعه آماری

به منظور شناسایی الگوی رفتاری ناشی از رصد رفتار و عملکرد بدهکاران ارادی و بدحساب، بایستی با نخبه‌ترین و با تجربه‌ترین افراد در حوزه اعتباری شبه بانکی و سطوح

---

[۱] به عنوان نمونه استفاده از تسهیلات دریافتی در طرح‌های پرریسک بر خلاف مصوبه اعتباری ارکان بانک از مصادیق چنین اقدامی می‌باشد.

[۲] به عنوان مثال، بانک‌ها به دلیل عدم امکان مشارکت واقعی در طرح‌ها، قراردادهای مشارکت خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کنند که عملاً مشتریان به عنوان امین، شریک، کارگزار و حتی عامل نقش اجرایی طرح را به عهده می‌گیرند و بانک‌ها به گزارشات آن‌ها اعتماد می‌نمایند. در صورتی که به هر دلیلی متقاضی نتواند و یا نخواهد بدهی خود را بازپرداخت نماید، در زمان اقامه دعوی حقوقی مدعی می‌شود که قالب قرارداد، مشارکت بوده در حالی که بانک پایبند واقعی به ارکان یک قرارداد مشارکت حقوقی و فقهی نبوده لذا نمی‌تواند در خصوص اقداماتی که از جانب من صورت گرفته معترض باشد و قس علی هذا.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

مدیریتی و کارشناسی بانک‌ها مصاحبه به عمل آورد و فرضیه‌های تحقیق را از طریق دریافت نظرات این افراد مورد آزمون و بررسی قرار داد. بدین منظور با ۳۵ نفر از سیاست‌گذاران حوزه اعتباری در بانک مرکزی ج.ا.ا.، مسئولین حوزه نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری بانک مرکزی ج.ا.ا.ا، مدیران عامل بانکی، اعضای هیئت مدیره بانک‌ها، معاونین اعتباری، کارشناسان اعتباری و پژوهشگران برجسته حوزه بانکی به عنوان جامعه آماری تحقیق مصاحبه به عمل آمده است.

۳.۴ روش پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده، اقدام به پژوهش قیاسی و استقرایی بوده است. به این معنی که ابتدا بر اساس مصاحبه با صاحب‌نظران، علل ایجاد مطالبات غیرجاری ناشی از رفتار ارادی بدهکاران بدحساب شناسایی شد و سپس برای توضیح این رفتارها با تکیه بر مبانی نظری ارائه شده، به تهیه پرسش‌نامه‌هایی برای آزمون فرضیات تحقیق پرداخته شد که پس از آزمون پایایی و روایی سؤالات پرسشنامه در اختیار افراد مصاحبه‌شونده قرار گرفت.

۴.۴ روش نمونه‌گیری

از آنجا که ارائه جواب مناسب به سؤالات تحقیق متضمن دارا بودن تجربیات کافی مصاحبه‌شوندگان در حوزه مدیریتی، اعتباری و نظارتی شبکه بانکی بوده است، تمامی افراد مصاحبه‌شده بر اساس انتخاب گزینشی مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند.

۵.۴ روش آماری پژوهش

همانگونه که گفتیم پرسش‌نامه پس از آزمون روایی و پایایی در اختیار پرسش‌شوندگان قرار گرفت. سپس بر پایه طراحی پرسشنامه‌های مورد نظر و دریافت نظرات نخبگان، از آزمون t یکطرفه، آزمون کرون‌باخ، آزمون فریدمن و آزمون کولموگروف-اسمیرونوف (K-S)، استفاده شده است. از طرفی با توجه به تعداد مصاحبه‌شوندگان (۳۵ نفر) و رتبه‌ای بودن طیف لیکرت در پرسش‌نامه، از آزمون ناپارامتریک علامت که معادل آزمون ناپارامتریک میانگین یک جامعه آماری می‌باشد، استفاده شده است.

۶.۴ قلمرو تحقیق

قلمرو موضوعی تحقیق شامل بررسی رفتار بدهکاران عمده و بدحساب بانکی بوده که برآیند رفتاری و عملکردی آن‌ها منجر به ایجاد بخشی از مطالبات غیرجاری شبکه بانکی کشور

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

می‌شود که می‌توان از آن به عنوان «مطالبات غیرجاری ارادی ناشی از رفتار بدهکاران بدحساب» نیز یاد کرد.

قلمرو مکانی تحقیق، شامل کل شبکه بانکی کشور می‌باشد.

قلمرو زمانی تحقیق مربوط به دوره و یا بازه زمانی خاصی نبوده و رفتار بدهکاران بدحساب را به طور کلی مورد تحلیل و شناسایی قرار می‌دهد.

۷.۴ نتایج آماری پژوهش

بر اساس آزمون‌های T و Z، کلیه فرضیات ۲۱ گانه تحقیق مورد تأیید قرارگرفت. شاید علت اصلی این امر را بتوان استفاده از نظرات صاحب‌نظران در انتخاب فرضیات تحقیق و نیز اتکاء به مبانی نظری در خصوص هرکدام از این فرضیات به حساب آورد.

پس از دریافت نظرات مصاحبه‌شوندگان و پس از انجام آزمون‌های آماری مشخص شد که تمامی موارد تحقیق از نظر مصاحبه‌شوندگان مورد تأیید است.

به طور کلی می‌توان نتایج تحقیق را در قالب جدول زیر نشان داد؛ در این جدول هر کدام از فرضیات اثبات شده به صورت تلفیق با یک یا دو فرضیه اثبات شده دیگر در هرکدام از ردیف‌های جدول مورد اشاره قرارگرفته است.

۴،۸ نتایج تجربی

به منظور آزمون اینکه کدام یک از شاخص‌های برشمرده ضمن بیان فرضیات تحقیق، از درجه اهمیت بالاتری برخوردار است، از آزمون ناپارامتریک رتبه‌بندی فریدمن استفاده شده است.

نتایج آزمون فریدمن نشان داد که شاخص‌هایی که به علت وجود اطلاعات نامتقارن شبکه بانکی در مورد متقاضی حادث شده و سبب کژگزینی بانک در شروع تعامل با مشتریان بدحساب ارادی و مخصوصاً بدهکاران عمده ارادی می‌گردد، به مثابه جدی‌ترین شاخص‌های بالارفتن احتمال تبدیل مطالبات جاری از آن بدهکار به مطالبات غیرجاری به حساب می‌آیند. از جمله آن‌ها می‌توان سابقه بدحسابی قبلی با داشتن حجم قابل‌توجهی از بدهی به سایر بانک‌ها و داشتن شرکت‌های متعدد تودرتو با ماهیت ذی‌نفع واحد در عمل اما غیرآشکار در ظاهر اشاره نمود. پس از آن شاخص‌هایی که نشانگر بروز خطر اخلاقی توسط بدهکاران می‌باشد، مهمترین شاخص‌هایی هستند که احتمال ایجاد مطالبات غیرجاری ارادی را بالا می‌برد. از جمله این شاخص‌ها می‌توان به عدم ارائه گزارشات صحیح در مورد

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

نحوه خرج‌کرد تسهیلات، صورت‌های مالی مخدوش و وجود دفاتر متعدد حسابداری و ... اشاره نمود.

جدول ۲

نتایج توزیع پرسش‌نامه

ردیف	نتایج تجربی تحقیق پس از توزیع پرسش‌نامه
۱	ارادی بودن بخش عمده‌ای از مطالبات غیرجاری مربوط به بدهکاران عمده با اراده آگاهانه قبلی این افراد
۲	مشترک بودن برخی ویژگی‌های منجر شده به مطالبات غیرجاری در میان بدهکاران عمده ارادی
۳	داشتن سابقه بدحسابی قبلی در میان بدهکاران عمده ارادی مانند فرار مالیاتی و بدهی قبلی به شبکه بانکی و حتی صورت‌های مالی مخدوش
۴	استفاده از شرکت‌های تودرتو توسط بدهکاران عمده ارادی به منظور دریافت تسهیلات بیشتر به‌گونه‌ای که برای کارشناسان بانکی مصادیق ذی‌نفع واحد در خصوص آن‌ها قابل تشخیص نبوده است به‌گونه‌ای که بدهکاران بانکی نیز از ابراز قبلی آن نیز امتناع نموده‌اند.
۵	عدم انجام کارشناسی دقیق اعتباری از موضوع درخواست و سابقه مشتری متأثر از نام وی
۶	اکثر بدهکاران بانکی از اظهار نظر شفاف در مورد موضوع درخواست خود و نحوه خرج کرد آتی تسهیلات دریافتی امتناع می‌ورزند و حتی ممکن است تسهیلات دریافتی را در محل دیگری غیر از موضوع تقاضا مصرف نمایند
۷	در بسیاری از موارد،بدهکاران عمده و بدحساب از ارائه گزارش دقیق در خصوص سودآوری پروژه امتناع می‌کنند و نیز سعی می‌کنند بدون توجه به تعهد قبلی نسبت به بانک در خصوص بازپرداخت دیون خود در سررسید، هرگونه که منافعشان حداکثر می‌شود عمل نمایند.
۸	در بسیاری از موارد بدهکاران عمده و ارادی اساساً دغدغه ذهنی خاصی در خصوص تعهد خود و بازگشت منابع بانکی در خود احساس نمی‌کنند چراکه به دلیل نقصان در قراردادها و ضعف ضمانت اجرای قانونی مجازات بدهکاران عمده و ارادی بانکی اراده‌ای در بازپرداخت تسهیلات کلان در این افراد شکل نمی‌گیرد
۹	در برخی موارد متأسفانه بدهکاران عمده و بدحساب از هرگونه اقدام در آلوده سازی بدنه تصمیم‌گیر بانکی در خصوص تسهیلات اعطایی به وی امتناع نمی‌ورزند و با پرداخت رشوه و انجام روش‌های دیگر سعی می‌کنند تا این ارکان را با خود همراه نمایند.

یادداشت. منبع: تحلیل نویسندگان

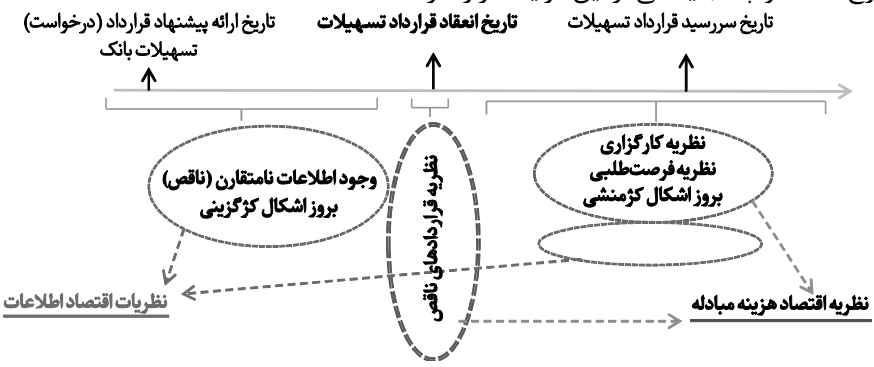
۵ تحلیل نتایج

بر پایه مبانی نظری و نتایج به دست آمده از انجام مصاحبه و توزیع پرسش‌نامه، به طور کلی مشکلاتی که در تعامل بانک‌ها و بدهکاران بدحساب حرفه‌ای روی می‌دهد و منجر به ایجاد مطالبات غیرجاری می‌شود، حول شش مسئله اصلی یعنی مشکلات ناشی از ۱) نقصان

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

اطلاعات، ۲)کژمنشی، ۳) کارگزاری و مشکلات ناشی از ۴)کژگزینی ۵)قراردادهای ناقص و ۶) فرصت‌طلبی خلاصه می‌گردند اما هر کدام از این مسائل می‌توانند در جای خود علت و یا معلول دیگری به حساب آیند. برای درک بهتر موضوع، شکل مفهومی (۳) را می‌توان ترسیم نمود. شکل مفهومی عنوان شده، فرآیند اعطای تسهیلات را در قالب سه برهه زمانی مجزا به تصویر کشیده است. در شکل (۳)، مقاطع تاریخی قبل و بعد از انعقاد قرارداد تأمین مالی که به طور کلی میان بانک‌ها و مشتریان آن‌ها منعقد می‌گردد، مورد اشاره قرار گرفته که در هر کدام از این مقاطع می‌توان نظریات مربوط به هر کدام از مباحث اقتصاد اطلاعات و اقتصاد هزینه مبادله را دسته‌بندی نموده و به تصویر کشاند. به این منظور، دوره ارائه درخواست مشتری به بانک تا زمان پذیرش درخواست توسط ارکان اعتباری به عنوان بازه زمانی اول در نظر گرفته شده است. پس از آن تاریخ انعقاد قرارداد به عنوان مقطع زمانی دوم و در نهایت از زمان اعطای تسهیلات به متقاضی تا زمان سررسید و پس از آن به عنوان بازه زمانی سوم ترسیم شده است.

با در نظر گرفتن شکل مفهومی ترسیم شده راحت‌تر می‌توان فرضیاتی که در قالب انجام مصاحبه و توزیع پرسش‌نامه در بخش تجربی تحقیق به اثبات رسید را با تکیه بر مبانی نظری مقاله مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. به عبارت دیگر شکل مفهومی نشان می‌دهد که هرکدام از مبانی نظری تحقیق در چه بازه زمانی مربوط به فرآیند ارائه تسهیلات به متقاضیان از سوی شبکه بانکی، می‌تواند مورد اشاره قرار گیرد و در واقع هر کدام از نظریات مطرح شده در چه جایگاهی از این فرآیند قرار دارند.



شکل ۳. مدل مفهومی ارتباط تئوری‌های مطرح شده در اقتصاد اطلاعات و اقتصاد هزینه مبادله بدر بازه‌های مختلف تعامل بدهکاران با بانک‌ها

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

۱.۵ بازه زمانی نخست؛ از تاریخ ارائه درخواست متقاضی تا قبل از پذیرش آن توسط ارکان اعتباری بانک

در این بازه زمانی بر اساس ادبیات اقتصاد اطلاعات، دو نظریه وجود اطلاعات نامتقارن و وجود اشکال کژگزینی از مهمترین عواملی است که می‌تواند در نهایت باعث بروز و افزایش حجم مطالبات غیرجاری در شبکه بانکی گردد.

به طور مثال در قراردادهای تسهیلاتی فروش اقساطی و مشارکت مدنی، یکی از ضوابطی که باید مورد توجه قرار گیرد، ارائه فاکتور یا پیش‌فاکتور توسط متقاضی تسهیلات در رابطه با موضوع تقاضای تسهیلات است. در مواردی ایجاد و تعیین محل و مرجع صدور پیش‌فاکتورها برنامه‌ریزی‌شده بوده و شرکت‌های فروشنده و خریدار یکی می‌باشند. صوری بودن فاکتور و یا پیش‌فاکتور ارائه شده توسط متقاضی تسهیلات یکی از بارزترین مصادیق بروز معضل کژمنشی یا خطر اخلاقی می‌باشد.

به عنوان مثال دیگر می‌توان به امکان وجود سابقه بدحسابی قبلی متقاضی دریافت تسهیلات اشاره نمود. چنانچه بانک بررسی‌کننده درخواست متقاضی به منظور دریافت تسهیلات، از وجود سابقه بدحسابی متقاضی اطلاعی نداشته باشد ممکن است در پذیرش آن مشتری اشتباه کرده و در نهایت درخواست وی را مورد پذیرش قرار دهد. در این صورت بروز مشکل اطلاعات نامتقارن، اثر خود را نشان داده و ممکن است تسهیلات اعطایی به آن متقاضی در آینده تبدیل به بخشی از مطالبات غیرجاری بانک مربوطه گردد.

۲.۵ مقطع زمانی دوم؛ تاریخ اعطای تسهیلات

در مقطع زمانی اعطای تسهیلات که به عنوان برهه زمانی دوم در شکل مفهومی به آن اشاره شده است، بر پایه ادبیات اقتصاد هزینه‌مبادله، نظریه قراردادهای ناقص می‌تواند در تجزیه و تحلیل رفتار بدهکاران عمده ارادی، مورد استناد قرار گیرد.

قراردادهای تسهیلاتی بر اساس نظریه قراردادهای ناقص، مانند همه قراردادهای نوعی دیگر به علت وجود عقلانیت محدود در زمان انعقاد نمی‌تواند کلیه ابعاد آتی رخدادهای ممکن در خصوص نحوه تعامل دریافت‌کننده تسهیلات و بانک را پیش‌بینی و مقید گرداند. یکی از ابعاد احتمالی تبدیل شدن مطالبات بانک از متقاضی به مطالبات غیرجاری می‌باشد که در این مقاله موضوع مورد بررسی می‌باشد.

بانک‌ها عمدتاً به منظور پوشش ریسک ناشی از تبدیل مطالبات خود به مطالبات غیرجاری و پوشش نقایص موجود در قراردادهای تسهیلاتی، اقدام به اخذ وثیقه از مشتریان خود می‌نمایند. البته سخت‌گیری بانک‌ها در این خصوص به شکل افراطی، هیچ‌گاه

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

قابل‌تأیید نمی‌باشد چراکه در مواردی اساساً برخی از متقاضیان واقعی با طرح‌ها و ایده‌های سودده و با آتیه مناسب که از طرف دیگر توانایی تهیه وثایق ارزنده را ندارند، از دریافت تسهیلات باز می‌مانند که البته با توجه به مشکلات فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر تصمیمات اقتصادی افراد، این‌گونه تضامین به هیچ‌وجه نمی‌تواند متضمن بازگشت منابع بانکی توسط بدهکاران باشد.

۳.۵ بازه زمانی سوم؛ از زمان اعطای تسهیلات به بعد

طبق شکل مفهومی ارائه شده، در بازه زمانی سوم، بر اساس ادبیات اقتصاد اطلاعات، بحث کژمنشی بیشترین کارایی را در تحلیل رفتارهای مشترک بدهکاران عمده و بدحساب ارادی دارد.

به عنوان مثال یک دریافت‌کننده نوعی تسهیلات، ممکن است رفتار غیرقابل پیش‌بینی برای ارکان اعتباری بانک از خود بروز داده و تسهیلات دریافتی را در محلی غیر از محل موضوع تقاضا به امید کسب سود بیشتر مصرف نماید و اصطلاحاً از خود کژمنشی بروز دهد. در این حالت اقدام وی سبب خواهد شد تا ریسک اعتباری بانک‌ها به علت افزایش ریسک نکول این افراد افزایش یابد. از طرفی در چنین حالی هیچ‌گاه مقصود سیاست‌گذار پولی در هدایت منابع تسهیلاتی به بخش‌های مختلف اقتصادی به صورت متوازن و مورد نظر برنامه‌های سالانه و ۵ ساله توسعه هیچ‌گاه در عمل محقق نخواهد شد و تنها به صورت اسمی این امر به ظاهر محقق گردیده است.

در بازه زمانی سوم یعنی از زمان اعطای تسهیلات به بعد از آن، بر اساس ادبیات اقتصاد هزینه‌مبادله، می‌توان رفتارهای بدهکاران عمده و بدحساب بانکی را در قالب دو نظریه کارگزاری و فرصت‌طلبی نیز تجزیه و تحلیل نمود.

به طور مثال یکی از مهمترین مشکلات بانک‌ها با بدهکاران بدحساب حرفه‌ای، وجود تضاد منافع بین بانک (کارفرما) و آن بدهکار (به عنوان کارگزار) است. بدین معنا که کارفرما به دنبال رسیدن به بالاترین مرحله ارزش سرمایه‌گذاری است درحالیکه کارگزار در وهله اول به دنبال افزایش ثروت خود می‌باشد. هرچند که در مواقعی این دو می‌توانند در یک راستا باشند ولی در موارد بسیاری نیز همسو نیستند؛ لذا این احتمال وجود دارد که کارگزار، در راستای منافع کارفرما عمل ننماید. منحرف ساختن منابع مالی بانک در فرآیند اجرای موضوع درخواست تسهیلات، از طریق مصرف در محل غیر از موضوع درخواست تسهیلات یک نمونه از این تضاد منافع می‌باشند که علاوه بر نظریه کژمنشی، از طریق نظریه کارگزاری نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

اقدام دریافت‌کننده تسهیلات در مصرف منابع در غیر از محل مورد نظر بر اساس نظریه فرصت‌طلبی نیز قابل‌تحلیل می‌باشد چراکه دریافت‌کننده منابع مالی بر اساس فرصت‌طلبی خود اقدام به انحراف در استفاده از منابع در جهت کسب سود بیشتر در سایه بی‌اطلاعی بانک می‌نماید.

۴.۵ مثال فرضی

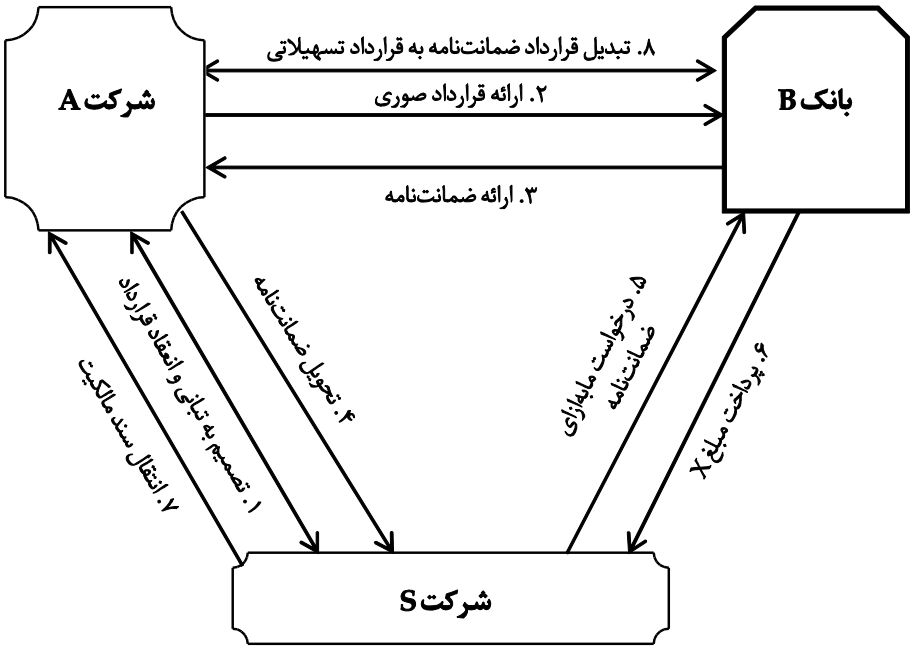
به منظور جمع‌بندی بخش تحلیلی مقاله، در ادامه سعی می‌کنیم در قالب یک مثال فرضی، مجموعه‌ای از رفتارها و عملکردهای یک متقاضی تسهیلاتی نوعی که با توجه به مجموعه شاخص‌هایی که در خصوص آن بیان می‌شود، در زمره بدهکاران بدحساب حرفه‌ای و عمده بانکی شناخته می‌شود را مورد اشاره قرار می‌دهیم.

فرض کنید شرکت A (به عنوان نماینده بدهکاران بدحساب حرفه‌ای) قصد خرید یک ملک بزرگ واقع در شمال شهر تهران متعلق به شرکت S که دارای گردش مالی بالا و پشتوانه اعتباری درخور توجهی بوده و قصد جدی و فوری در فروش ملک خود را ابراز نموده، به مبلغ X تومان را دارد. از طرفی شرکت A به مقدار کافی X پول در اختیار ندارد لذا سعی می‌کند که از بانک B تسهیلات دریافت نماید. اما بانک B به دلیل سیاست‌های ابلاغی برای کاهش سرمایه‌گذاری در بخش مسکن توسط بانک مرکزی ج.ا.ا. و اینکه اساساً شرکت A به تشخیص و پیش‌بینی ارکان اعتباری بانک در بازپرداخت تسهیلات ناتوان خواهد بود و نیز جز بدهکاران بزرگ شبکه بانکی محسوب می‌شود، از اعطای تسهیلات به شرکت A خودداری می‌نماید. تا اینجا هنوز اتفاق خاصی نیفتاده اما از این به بعد به واسطه هماهنگی میان شرکت A و شرکت S فرآیندهایی اتفاق می‌افتد که کلیه تئوری‌ها و نظریات اشاره شده در مقاله را مورد اشاره قرار می‌دهد. این مجموعه فرآیند بدین قرار است؛

از آنجا که شرکت A و شرکت S هر دو از انجام معامله منتفع می‌گردند، قرار بر تبانی برای دریافت تسهیلات X تومان می‌گذارند. به این منظور شرکت S میان خود و شرکت A قراردادی صوری منعقد می‌نماید که طی آن شرکت S قرار است در ازای ارائه ضمانت‌نامه بانکی حسن انجام تعهدات به مبلغ X تومان از سوی شرکت A، عملیات بتون‌ریزی پروژه احداث سد خاکی فرضی را که در آینده قرار است اجرایی شود به شرکت A واگذار نماید. بلافاصله شرکت A به بانک مراجعه می‌نماید و از آنجا که پروژه اجرایی سد توسط ارکان اعتباری بانک B در راستای توسعه کشور تشخیص داده می‌شود و نیز قرارداد ارائه شده لازم‌الاجرا بوده و بانک B بنا را بر خوش‌سابقگی شرکت S می‌گذارد، شرکت A موفق می‌شود یک فقره ضمانت‌نامه حسن انجام تعهدات به ذی‌نفعی شرکت S و تعهد شرکت A به ارزش

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

X تومان به سررسید یک سال بعد دریافت نموده و بلافاصله آن را به شرکت S تحویل می‌نماید. به دلیل وجود تبانی قبلی، از آنجا که بانک متعهد است مابه‌ازای ضمانت‌نامه را به صورت عندالمطالبه پرداخت کند، بعد از گذشت ۱ ماه، شرکت S به بانک مراجعه کرده و اعلام می‌کند به دلیل عدم اجرای مناسب تعهدات توسط شرکت A، قصد دارد ضمانت‌نامه را اصطلاحاً به اجرا گذاشته، مابه‌ازای آن یعنی X تومان را دریافت کرده و سند ملک مورد نظر را به شرکت A منتقل می‌نماید. بانک B نیز مبلغ X را به شرکت S پرداخت می‌نماید و بلافاصله قرارداد ضمانت‌نامه میان خود و شرکت A را با درخواست شرکت A و اعلام نظر موافق ارکان اعتباری خود تبدیل به قرارداد تسهیلاتی نموده و با تعیین نرخ و قسط‌بندی آن را تنفیذ می‌نماید.



شکل ۴. مثال فرضی در بردارنده علائم رفتاری بدهکاران بدحساب حرفه‌ای و عمده بانکی قابل تحلیل در چارچوب نظریات اقتصاد اطلاعات و اقتصاد هزینه مبادله

در نتیجه آنچه شرح داده شد، شرکت S ملک مورد نظر خود را به قیمت مورد نظر X به شرکت A فروخته و از فرآیند خارج می‌شود و آنچه در نتیجه طی این فرآیند رخ داده این

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

است که شرکت A موفق شده X تومان از بانک B تسهیلات دریافت نماید. از آنجا که بانک B از توان تشخیص قبلی و مجازات حقوقی بعدی برخوردار نیست و از طرفی هیچ قانون مشخصی به همراه ضمانت اجرای قوی برای مقابله بعدی با این فرآیند وجود نداشته و اساساً مجازات طرفین قرارداد در تخطی از موضوع قرارداد در قراردادهای ناقص بانکی وجود ندارد، این شکل از تبانی با حالت‌های پیچیده‌تری نیز ممکن است به راحتی در کشورمان اتفاق بیفتد. حال از آنجاکه از قبل هم معلوم بود شرکت A در بازپرداخت تسهیلات جدید با مشکل مواجه خواهد شد[1]. در شکل زیر ضمن ترسیم فرآیند طراحی‌شده فرضی توسط شرکت S و شرکت A برای دریافت وام X تومانی، جایگاه هر کدام از نظریه‌های مطرح‌شده در اقتصاد اطلاعات و اقتصاد هزینه‌مبادله ناظر به هر کدام از فرآیندهای توضیح داده شده مورد اشاره قرار گرفته است.

هر کدام از گره‌های موجود در شکل ۲ به یکی از موارد زیر ارتباط دارد:

۱) تصمیم به تبانی و انعقاد قرارداد صوری (اطلاعات ناقص برای بانک، کژمنشی و فرصت‌طلبی از طرف مشتری)
۲) ارائه قرارداد صوری به بانک توسط شرکت A (اطلاعات ناقص و انتخاب نامتقارن برای بانک، کژمنشی از طرف مشتری)
۳) انعقاد قرارداد ضمانت‌نامه بین بانک B و شرکت A (اطلاعات ناقص برای بانک، قراردادهای ناقص و نظریه کارگزاری میان بانک و مشتری)
۴) تحویل ضمانت‌نامه توسط شرکت A به شرکت S (فرصت‌طلبی و کژمنشی از طرف مشتری و نظریه کارگزاری میان بانک و مشتری)
۵) درخواست پرداخت مابه‌ازای معادل ضمانت‌نامه توسط شرکت S از بانک برای دریافت مبلغ X (فرصت‌طلبی و کژمنشی از طرف مشتری)
۶) اعطای مبلغ X توسط بانک B به شرکت S (اطلاعات ناقص برای بانک)
۷) انتقال سند مالکیت طمین از شرکت S به شرکت A
۸) تبدیل قرارداد ضمانت‌نامه به قراداد تسهیلاتی (اطلاعات ناقص و انتخاب نامتقارن برای بانک، کژمنشی از طرف مشتری، قراردادهای ناقص و نظریه کارگزاری میان بانک و مشتری)

[1] فرض بر این است که شرکت A نتواند از طریق فروش ملک مورد نظر تعهدات خود را به بانک تسویه نماید.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

۶ بررسی راهکارهای فعلی جلوگیری از افزایش مطالبات غیرجاری

به منظور کاهش میزان مطالبات غیرجاری در حیطه مقررات و قوانین مخصوص شبکه بانکی و نیز در حوزه ایجاد ساختارهای نهادی، اقداماتی صورت پذیرفته است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱.۶ اقداماتی که توسط بانک‌ها انجام پذیرفته است

مانند؛ ۱) ایجاد شرکت‌های اقماری وصول مطالبات
۲)استفاده از شرکت‌های مشاوره ارزیابی طرح‌های اقتصادی
۳) استمهال بدهی‌ها از طریق روش‌های تقسیط بدهی و احیا

۲.۶ تأسیس شرکت ساماندهی مطالبات غیرجاری در ساختار وزارت امور اقتصادی و دارایی

این شرکت در سال ۱۳۸۷ با هدف بازگشت منابع بانک‌ها با مشارکت بانک‌ها و بیمه‌های منتخب تأسیس گردید. اما در عمل بانک‌ها با این شرکت تعامل سازنده‌ای نداشتند.

۳.۶ کانون مشاوران اعتباری و سرمایه‌گذاری بانکی

این کانون در سال ۱۳۸۶ تأسیس شد و هدف از ایجاد آن کمک به بدنه کارشناسی بانک‌ها برای ارزیابی دقیق‌تر و حرفه‌ای‌تر تقاضای متقاضیان تسهیلاتی است. این شرکت‌ها در عمل در جهت رفع مشکل کژگزینی می‌توانند تا حدودی مؤثر باشند.

۴.۶ شرکت مشاوره رتبه‌بندی اعتباری

این سامانه در سال ۱۳۸۵ ایجاد شده و بر اساس بخشنامه بانک مرکزی، شبکه بانکی کشور موظف است قبل از اعطای تسهیلات به هر مشتری سابقه بدهی قبلی و چک برگشتی مشتری را از این سامانه استعلام نماید. این سامانه در عمل در جهت رفع مشکل کژگزینی می‌توانند تا حدودی مؤثر باشند

اما در خصوص این سامانه دو اشکال بسیار جدی مطرح می‌باشد. نخست اینکه اطلاعات سامانه مذکور شامل آن میزان از اطلاعات است که توسط بانک‌ها در آن ثبت می‌گردد، لذا اگر بانکی سابقه یک مشتری خاص را به صورت کامل در سامانه درج ننماید، قابلیت رویت آن بخش از سابقه مشتری عملاً وجود نخواهد داشت. دوم اینکه هر چند

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

بانک‌ها موظفند استعلام متقاضیان را از این سامانه صورت دهند، اما هیچ الزامی در التزام به سابقه متقاضی در تأیید و یا رد وی ندارند.

۵.۶ بانک جامع اطلاعات مشتریان

به منظور رفع نقیصه نبود اطلاعات مشتریان به صورت متمرکز و قابل استفاده، در سال ۱۳۸۵ وزارت امور اقتصادی و دارایی و بر اساس تصمیم شورای راهبردی بانکداری الکترونیک و نیز اجرای ماده ۵ قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی مصوب ۱۳۸۶ مجلس، اقدام به ایجاد سامانه بانک جامع مشتریان نموده که البته در عمل نتوانسته است ساختار در خور توجهی را فراهم نماید.

۶.۶ تشکیل کمیته فرا دستگاهی وصول مطالبات غیرجاری

این کمیته از سال ۱۳۸۸ اقدام به تشکیل جلسات منظم با حضور بانک‌ها و نمایندگان ۱۰۰ بدهکار عمده بانکی نموده است و از این طریق سعی می‌کند که فرآیندهای اجرایی و قضایی وصول مطالبات را با جدیت دنبال نماید. به این منظور نمایندگان مختلفی از دستگاه‌های مختلفی همچون نیروی انتظامی، بانک مرکزی، قوه قضائیه، بانک‌ها،نمایندگان بدهکاران و ... در این کمیته حضور دارند.

اما کلیه اقدامات برشمرده نتوانسته است از افزایش نسبت مطالبات غیرجاری به تسهیلات بانکی جلوگیری به عمل آورده و یا در جهت کاهش چشمگیر این نسبت مؤثر واقع گردد. از جمله دلایل این عدم موفقیت می‌توان به موارد زیر اشاره نمود؛

۱) هزینه‌بر بودن و زمانبر بودن رویه‌های قانونی و قضایی وصول مطالبات برای شبکه بانکی
۲) عدم الزام حقوقی و کیفری شبکه بانکی در خصوص توجه به استعلامات تسهیلاتی مشتریان
۳) سوءاستفاده مشتریان بدهکار عمده از خلأهای قانونی
۴) نبود الزامات حقوقی کیفری در خصوص الزام بدهکارانی که عدم بازپرداخت بدهی از سوی آن‌ها ارادی تشخیص داده می‌شود.

۷ پیشنهادهای سیاستی

همانگونه که اشاره شد، تمهیدات ساختاری و قانونی مختلفی به منظور کاهش مطالبات غیرجاری اندیشیده شده اما به نظر می‌رسد که این راه‌کارها نتوانسته است نقش مؤثری را

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

آنچنان که انتظار می‌رفته ایفا نمایند. به منظور تکمیل و رفع نقایص راهکارهای فعلی پیشگیرانه از بروز و افزایش مطالبات غیرجاری، پیشنهاداتی قابل طرح است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

۱.۷ اصلاحات نهادی در شبکه تأمین مالی کشور

ایده تقویت نهادی شبکه بانکی، بر تقویت درون شبکه‌ای ساختارها و فرآیندهای تسهیلات‌دهی متمرکز می‌باشد. در حال حاضر نحوه تسهیلات‌دهی به گونه‌ای ساختار یافته که چندین اشکال اصلی را در پی دارد. که در زیر به آن‌ها اشاره می‌نماییم.

۱) شیوه تأمین مالی فعلی به هیچ‌وجه نمی‌تواند کلیه طیف‌های نیازمند به دریافت منابع را پوشش دهد.[۱]

۲) شیوه حاضر به هیچ وجه نمی‌تواند نظارت‌های مستمر و سازنده‌ای را در خصوص نحوه مصرف منابع تخصیصی به پروژه داشته باشد.[۲]

۳) شیوه کنونی به هیچ‌وجه نمی‌تواند ملاحظات جدی و فنی در تشخیص اولویت‌دار بودن یا نبودن انتخاب بسیاری از شرکت‌های متقاضی تسهیلات با فناوری‌های روز موفق عمل نماید.[۳]

و بسیاری از کاستی‌های دیگر که سازوکارهای فعلی تأمین مالی در شبکه بانکی امکان مرتفع نمودن آن‌ها را فراهم نمی‌آورد و البته پرداختن بیشتر به این موارد در این مجال نمی‌گنجد.

به منظور رفع این نقایص می‌توان ساختارهایی در نظام بانکی تعبیه نمود که از جمله آن‌ها می‌توان ایجاد صندوق‌های خطرپذیر وابسته به بانک‌ها و ... اشاره نمود. به طور خلاصه ایجاد نهادهای مکمل تأمین مالی در کنار بانک‌ها که بتوانند در کنار ارزیابی دقیق طرح‌های اقتصادی، توان تشخیص و رصد فنی و مهندسی حوزه تخصصی فعالیت و عملکرد

---

[۱] از جمله این طیف می‌توان به شرکت‌های دانش‌بنیان فناورانه که مورد تشخیص فنی کارشناسان بانکی قرار نمی‌گیرند، شرکت‌های نوپا که از وثایق لازم برخوردار نیستند و ... نام برد.

[۲] این معضل خود مسبب بسیاری از معضلات بعدی است مانند صوری شدن بسیاری از عقود بانکی مشارکت محور در کشورمان که در این مجال امکان بسط و توضیح بیشتر در خصوص آن‌ها وجود ندارد.

[۳] در این حالت احتمال محروم ماندن شرکت‌های لایق از اخذ تسهیلات و نیز احتمال بروز معضل انتخاب نامتقارن از سوی ارکان اعتباری بانک پیش می‌آید.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

متقاضیان تسهیلاتی را نیز در خود جای داده باشند می‌تواند در این خصوص راه‌گشا باشد. این راه‌حل در واقع به رفع مشکل کژگزینی کمک خواهد نمود.

۲.۷ قراردادهای انگیزشی

به منظور کاهش احتمال بروز رفتارهای فرصت‌طلبانه بدهکاران ارادی و بدحساب حرفه‌ای، قراردادهای انگیزشی[1] به عنوان یکی از راه‌حل‌هایی است که صاحب‌نظران مطرح می‌نمایند. در ادامه در خصوص آن توضیحاتی ارائه خواهد شد.

به طورکلی به قراردادی که بتواند با گنجاندن عباراتی حقوقی-اقتصادی، احتمال ارائه گزارش غلط از طرف مدیر بنگاه را کاهش دهد، قرارداد انگیزشی می‌گویند. این عبارات می‌تواند در برگیرنده جرایم (مادی یا معنوی) و یا مشوق‌های (مادی یا معنوی) باشد. استفاده از این نوع قراردادها می‌تواند احتمال بروز خطر اخلاقی را کاهش دهد. در واقع این سؤال که چطور کارفرما می‌تواند کارگزار را تحریک به انجام دادن رفتارها و فعالیت‌هایی کند که مطلوبیت کارفرما را حداکثر کند منجر به توسعه تئوری‌ها و ساختارهای مختلف قراردادی مانند قراردادهای مقاطعه‌کاری[2]، قرارداد کامل[3] (که تمامی حقوق و تعهدات در آینده را مشخص می‌کند)، قرارداد ناکامل[4] (که در مورد بعضی از حالت‌های احتمالی آتی سکوت می‌کند)، شده است.

۳.۷ تقویت ساختارهای الکترونیکی فعلی

با استفاده از بسترهای الکترونیکی قوی و یکپارچه می‌توان از بروز مطالبات غیرجاری در مراحل قبل از انعقاد قرارداد تسهیلاتی جلوگیری نمود که در ادامه در این خصوص بیشتر توضیح می‌دهیم.

۱.۳.۷ رکوردگیری آنلاین از شبکه رتبه‌بندی اعتباری

ایجاد شبکه آنلاین استعلام سابقه تسهیلاتی مشتریان یکی از مهمترین عواملی است که به راحتی می‌تواند از بروز مطالبات غیرجاری جلوگیری نماید. البته در حال حاضر سامانه شرکت مشاوره رتبه‌بندی اعتباری ایران، این امکان را به صورت آفلاین با توجه به اطلاعات

---

[1] Incentive Contract

[2] Piece-work or share-cropping

[3] Complete contract

[4] Incomplete contract

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

وارد شده توسط شبکه بانکی در این سامانه فراهم آورده است ولی این سیستم دو اشکال جدی دارد. نخست اینکه هیچ ضمانتی وجود ندارد که تمامی بانک‌ها همه اطلاعات مربوط به مشتریان خود را در این سامانه وارد کنند. این وضعیت زمانی وخیم‌تر می‌شود که بدهکار بانکی نوعی در یک بانک، خود سهامدار آن بانک بوده و یا از ارتباطات خاصی با برخی از مدیران و یا کارمندان آن بانک برخوردار باشد. دوم اینکه هیچ الزام جدی برای شبکه بانکی وجود ندارد که به نتیجه استعلام انجام شده از سابقه تسهیلاتی متقاضی از سامانه اعتبارسنجی توجه نموده و ترتیب اثر دهد. لذا به نظر می‌رسد برای جلوگیری از وقوع این نقایص باید اقدام تکمیلی صورت پذیرد. بدین صورت که می‌توان سیستم یکپارچه اعتباری تهیه کرد که به صورت آنلاین توسط ارکان اعتباری بانک‌ها امکان سابقه‌گیری داشته باشد. البته این سامانه باید به گونه‌ای طراحی شود که در صورت وجود سابقه مطالبات غیرجاری با شرایط قابل تعریف[1] برای هر مشتری، این امکان طی مراحل بعدی اعتباری برای مشتری را از حوزه اعتباری بانک‌ها سلب نماید. بدین ترتیب در صورت وجود سابقه مطالبات غیرجاری برای هر مشتری اساساً امکان دریافت تسهیلات برای وی وجود ندارد و از شدت مشکلاتی مانند مسئله انتخاب نامطلوب در فرآیند اعطای تسهیلاتی به خودی خود کاسته می‌گردد. از این طریق مشکلاتی همچون کژگزینی امکان اتفاق را نخواهند داشت.

۲.۳.۷ تقاطع‌دهی سامانه‌های اطلاعات اقتصادی کشور

از جمله تمهیدات پیش‌گیرانه دیگر برای جلوگیری از بروز مطالبات غیرجاری، عبارت است از اینکه تلاش کنیم تا از شدت معضل اطلاعات ناقص در زمان قبل از انعقاد قرارداد تسهیلاتی کاسته شود. بدین منظور پیشنهاد می‌شود تا با تقاطع‌دهی اطلاعات ثبت شده در سامانه‌های مختلف اقتصادی مانند سامانه سازمان ثبت شرکت‌ها، سازمان ثبت اسناد رسمی کشور، سازمان امور مالیاتی، سازمان گمرکات و بنادر، پورتال ارزی و سامانه رتبه‌بندی اعتباری ایران و سایر سامانه‌های اطلاعات اقتصادی که می‌تواند به کمرنگ‌تر شدن معضل اطلاعات ناقص و به تبع آن مشکل گژگزینی در خصوص متقاضیان تسهیلاتی کمک نماید، بانک‌ها و سایر مراکز تصمیم‌گیرنده اقتصادی به منظور واگذاری حقوق مالی به افراد را یاری نماییم. بدین ترتیب مسائلی از قبیل عدم توانایی تشخیص مصادیق ذی‌نفع

[1] به طور مثال در خصوص مشتریان با تعهدات کلان، نوع مالکیت شرکت (سهامی خاص بودن یا سهامی عام بودن)، سقف اعتباری ذی‌نفع واحد، تولیدی بودن یا خدماتی بودن و یا بازرگانی بودن شرکت و بسیاری آیتم‌های دیگر که به صورت متفاوت قابل تعریفند.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

واحد برای شبکه بانکی در خصوص متقاضیان تسهیلاتی از بین رفته و یا به شدت کم اثر گردد. متأسفانه در سال‌های اخیر شاهد بودیم که برخی از متقاضیان تسهیلاتی که شرایط دریافت تسهیلات را نداشته‌اند با تشکیل شرکت‌هایی بدون اینکه نام آن‌ها در اعضای هیأت مدیره این شرکت‌ها وجود داشته باشد اقدام به دریافت تسهیلات نموده‌اند چراکه از سوی دیگر از اعضای هیأت مدیره این شرکت‌ها وکالت بلاعزل گرفته بوده‌اند. لذا استفاده آنلاین از سامانه سازمان ثبت اسناد رسمی کشور می‌تواند به بانک‌ها کمک نماید تا از شدت معضل اطلاعات ناقص بکاهند. به همین ترتیب وجود سابقه بد مالیاتی می‌تواند کمک کند تا بانک‌ها در تشخیص مشی رفتاری و شخصیتی متقاضی تسهیلات دچار اشتباه نشوند و خطر کژگزینی کاهش یابد و به همین ترتیب منافع بسیاری از این اقدام قابل تصور است که از جمله آن‌ها می‌توان به واقعی بودن یا نبودن ادعای متقاضیان دریافت تسهیلات ارزی برای خرید کالاها، تجهیزات و مواد اولیه خارجی از طریق استفاده از سابقه سامانه گمرکی و بسیاری اتفاقات مفید دیگر اشاره نمود.

۴.۷ اصلاحات حقوقی

۱.۴.۷ اصلاحات در آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی کیفری

همانگونه که در خلال مقاله اشاره نمودیم، متأسفانه هیچ‌گونه ضمانت حقوقی محکمی در راستای اعمال مجازات در صورت تخطی از شرایط قراردادهای تسهیلاتی توسط طرفین این قراردادها و بخصوص بدهکاران بدحساب حرفه‌ای، در کشورمان وجود ندارد. با توجه به اینکه مطالبات بانک‌ها از افراد به طور کلی بر اساس قوانین به عنوان یک رابطه حقوق خصوصی میان شخصیت حقیقی بدهکار و شخصیت حقوقی بستانکار دیده شده است و ضمانت‌های اجرایی که بر تمام شرایط و آثار این قوانین از قبیل اعسار، مستثنیات دین و ... بر طرفین بدهکاری بار می‌شود، تنها از نوع ضمانت‌های حقوقی است و از طرفی آثار مخرب افزایش مطالبات غیرجاری بر اقتصاد کشور مشهود و فراوان بوده، لازم است این‌گونه از بدهی‌ها در قوانین کیفری وصف یافته و ضمن جرم‌انگاری این موضوع در قانون مجازات اسلامی (در شرایط خاص)، فرآیند رسیدگی به آن‌ها در قانون آیین دادرسی مدنی بیان شود. نکته بسیار مهم در این زمینه این است که موضوع مطالبات غیرجاری در زمانی که در مجاری حقوقی پیگیری می‌شود، بخاطر دشواری امکان اثبات سوءنیت به عنوان عنصر معنوی جرم، در بسیاری موارد حتی بسختی به عنوان مصداق یک جرم پذیرفته خواهد شد.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

۲.۴.۷ دادگاه‌های تخصصی

بسیاری از پرونده‌های اعتباری که در فرآیند قضایی دعوی میان بانک و مشتریان قرار می‌گیرند، به دلیل کم اطلاعی بازپرسان و قضات از مسائل اقتصادی و مالی به‌کندی دنبال شده و در بسیاری موارد به نتیجه نمی‌رسد. به نظر می‌رسد راه‌اندازی دادسراهای تخصصی با در اختیار داشتن بازپرس‌ها و قضات خبره در حوزه مسائل مالی نه تنها برای موضوع حل و فصل فوری مسائل دعاوی مطالبات غیرجاری می‌تواند مفید باشد، در سایر حوزه‌های مالی نیز می‌تواند مفید و مؤثر واقع شود.

به طور کلی به نظر می‌رسد اصلاحات حقوقی به نحوی که تخطی از شرایط قراردادهای تسهیلات را با سختگیری مورد برخورد قرار دهد، موجب کاهش خطر اخلاقی و بخش ارادی ایجاد مطالبات غیرجاری می‌گردد.

۸ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر بیان شد که عوامل بسترساز ایجاد و افزایش مطالبات غیرجاری در شبکه بانکی را می‌توان به دو دسته اصلی شاخص‌های کلان اقتصادی و شاخص‌های غیرکلان تقسیم‌بندی نمود. از میان شاخص‌های کلان می‌توان به نرخ تورم، نرخ ارز، سطح دستمزدها، رشد ناخالص داخلی و ... اشاره نمود. از طرف دیگر شاخص‌های غیرکلان را می‌توان به دو دسته شاخص‌های ناشی از قوانین پولی و عملیات درون شبکه بانکی و شاخص‌های ناشی از عملکرد بدهکاران بانکی تقسیم نمود. از جمله شاخص‌های ناشی از قوانین و عملیات درون شبکه بانکی می‌توان به نرخ سود تسهیلات، نرخ جریمه تأخیر، استانداردهای ارزیابی و اعتبارسنجی و ... اشاره نمود. اما در این مقاله نویسندگان به علت کمبود شدید مقالات و تلاش‌های علمی در خصوص تحلیل رفتار بدهکاران بانکی و بخصوص بدهکاران عمده بانکی دارای بدهی عمده ارادی به شبکه بانکی، بر آن شدند که شاخص‌های عملکردی این دسته از بدهکاران را به عنوان مشتریان شاخصی که رفتار آن‌ها منجر به ایجاد مطالبات غیرجاری ارادی در مقیاس بالا می‌گردد، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند.

بدین منظور با تکیه بر مبانی نظری اقتصاد اطلاعات و اقتصاد هزینه مبادله، رفتار و عملکرد بدهکاران آن دسته از بدهکاران، شناسایی، بررسی و تحلیل شد. از جمله شاخص‌های عملکردی مشترک میان «بدهکاران حرفه‌ای بدحساب ارادی» می‌توان به وجود ۱) سابقه بدحسابی قبلی، ۲)عدم ارائه گزارشات صحیح نوبه‌ای در خصوص روند فعالیت، ۳)تشکیل شرکت‌های فراوان و با ماهیت ذی‌نفع واحد و در اکثر موارد وکالتی به

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

منظور سفید جلوه دادن سابق قبلی خود در پوشش شرکت جدید، ۴)ارائه فاکتورها و پیش‌فاکتورهای متعلق به شرکت‌های تو در تو با مالکیت ذی‌نفع واحد برای تشکیل پرونده‌های اعتباری شرکت‌های گروه خود، ۵)مصرف تسهیلات در غیر از محل مورد تقاضا، ۶) ارائه صورت‌های مالی مخدوش و ارائه گزارشات کذب در خصوص سودآوری و یا زیان‌دهی پروژه موضوع درخواست تسهیلات و ... اشاره نمود.

نشان داده شد که بر اساس تئوری‌های مبحث اقتصاد اطلاعات و مبحث اقتصاد هزینه‌مبادله شامل شش تئوری اطلاعات نامتقارن، کژگزینی، کژمنشی، خطر اخلاقی، قراردادهای ناقص، نظریه نمایندگی و تئوری فرصت‌طلبی، به خوبی می‌توان شاخص‌های عملکردی برشمرده را توضیح داد. در همین راستا و در ادامه آن برای هرکدام از تئوری‌های شش‌گانه بالا، یکی از شاخص‌های عملکردی مشترک در قالب یک مثال فرضی به صورت جداگانه توضیح داده شد.

پس از آن در چارچوب یک مثال کلی فرضی، یک مدل مفهومی از فرآیند قراردادهای تسهیلات از زمان مراجعه بدهکار بانکی به شبکه بانکی و ثبت تقاضای وی تا پایان زمان قرارداد یعنی سررسید تسهیلات ارائه شد که جایگاه تحلیلی هر کدام از تئوری‌های مطرح‌شده در مبانی نظری، در این فرآیند مدل‌سازی شده به تصویر کشیده شده است. با کمک مدل مفهومی مذکور و تحلیل نظری رفتار وعملکرد بدهکاران عمده و بدحساب ارادی بانکی با جامعیت و روانی بیشتری امکان‌پذیر شد.

استفاده از مبانی نظری به کار رفته زمانی کاراتر می‌شود که با استفاده از نظرات نخبگانی، اسلوب تجربی قابل وصف توسط نخبگان شبکه بانکی در خصوص رفتار و عملکرد بدهکاران عمده و بدحساب ارادی نیز استخراج شود که در ادامه مقاله این اقدام انجام شد و بر اساس آن دو، فرضیاتی در خصوص رفتار و عملکرد آن دسته از بدهکاران، طراحی شد و سپس برای بررسی و آزمون تجربی دقیق از فرضیات به دست آمده، اقدام به طراحی پرسش‌نامه‌هایی گردید.

پس از توزیع پرسش‌نامه‌ها و دریافت نظرات مصاحبه‌شوندگان و سپس انجام آزمون‌های آماری، درستی فرضیه‌های به دست آمده از نظرات نخبگان که از طریق مبانی نظری قابل تشریح بودند، به اثبات رسید.

در نهایت به منظور کاهش مطالبات غیرجاری شبکه بانکی و کاهش احتمال بروز این معضل در آینده، ابتدا راه‌کارها و اقدامات انجام‌شده فعلی در این خصوص مورد اشاره قرار گرفت و با بیان این نکته که راهکارهای موجود نتوانسته‌اند به صورت کارا عمل نمایند، به ارائه راهکارهای مکمل و جدیدی شامل توجه به بسترهای قانونی و زیرساختی پرداخته شد

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

که از جمله آن‌ها می‌توان به اصلاحات نهادی در شبکه تأمین مالی کشور، ترویج قراردادهای انگیزشی، تقویت و ساختارسازی در خصوص بسترهای الکترونیکی و نهایتاً ایجاد ساختارها و اصلاحات حقوقی مانند اصلاح در آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی کیفری و ایجاد دادگاه‌های تخصصی رسیدگی به معضل مطالبات غیرجاری و سایر دعاوی مالی اشاره نمود.

فهرست منابع

تقی نجار، غلامحسن حمیدرضا نجف پورکردی، حمید رضا (۱۳۹۲)، بررسی و تحلیل علل افزایش مطالبات غیرجاری بانک نمونه و راه کارهای پیشگیری و کاهش آن، مجله علمی –پژوهشی تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۷، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

جلالی خلیل آباد، عبدالحسین (۱۳۹۰)، علل و آثار گسترش مطالبات غیرجاری در نظام بانکداری بدون ربای ایران و ارائه راهکارهای اصلاح آن در قالب بانکداری اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

حیدری هادی، زواریان زهرا، نوربخش، ایمان (۱۳۸۹)، بررسی اثر شاخص‌های کلان اقتصادی بر مطالبات غیرجاری بانک‌ها، *فصلنامه پول و اقتصاد*

نصیری اقدم، علی،(۱۳۸۶)، کاستی‌های اقتصاد هزینهٔ مبادله، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۰

نیلی، فرهاد، محمودزاده، امینه، (۱۳۹۳)، چرخه‌های تجاری و اعتباری، پژوهشکده پولی و بانکی

Abdel-Fattah A.A. Khalil, Colin Rickwood and Victor Murinde (2002)"Evidence on Agency-Contractual Problems in Mudarabah Financing Operations by Islamic Banks" in Munawar Iqbal and David T. Llewellyn Islamic Banking and Finance New Perspectives on Profit-Sharing and Risk. Cheltenham, UK and Northampton, MA, USA: Edward Elgar.pp 57-92

Birchler and Monika Butler, (2007), Information Economics, Routledge Advanced texts in economic and finance

Greenidge, Kevin, and Tiffany Grosvenor. (2010): "Forecasting Non-perfoming loans in Barbados." Business, Finance & Economics in Emerging Economies 5, no.1

Haque, N.U. and Mirakhor, A., (1986)"Optimal Profit-sharing Contracts and Investment in an Interest-Free Islamic Economy" IMF Working Paper, No. 12, Washington: international Monetary Fund

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]

Kester Guy and Shane Lowe, (2010) Non-performing Loans and Bank Stability in Barbados, Economic Review, Volume XXXVII, Number 1

Michele Gambera(2000), Simple Forecasts of Bank Loan Quality in the Business Cycle, Emerging Issues Series Supervision and Regulation DepartmentFederal Reserve Bank of Chicago

Ross, S, A. (1973)"The Economic Theory of Agency: The Principals Problem" American Economic Review. Vol 63. No 2. Pages 39-134

Samad, A., Gardner, N.D. and Cook, B.J. (2005)"Islamic Banking and Finance in Theory and Practice: The Experience of Malaysia and Bahrain" The American Journal of Islamic Social Sciences. Vol 22, No 2.

Sarker, A. A, (2000)"Islamic Business Contracts, Agency Problem and The Theory of The Islamic Firm" International Journal of Islamic Financial Services Vol. 1 No.2

Vasiliki Makri, Athanasios Tsagkanos, Athanasios Bellas, (2014), Determinants of Non-Performing Loans: The Case of Eurozone, Greece, University of Patras

William R. Keeton and Charles Morris, (1987), Why do banks' loan losses differ?, Economic Review, issue May, pages 3-21

Yixin Hou, (2005), The Non-performing Loans: Some Bank-level Evidences, Corresponding author Department of Economics, University of Birmingham

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-07]